

نقش میانجی رضایت از زندگی در رابطه بین عوامل شخصیت و اضطراب مرگ در سالمندان

خالد خیاط^۱، بیوک تاجری^۲، سارا پاشنگ^۳، سعید ملیحی الذاکرینی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: جمعیت رو به رشد سالمندان و مسایل و نیازهای خاص آنان، انجام بررسی‌های بیشتر را ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رضایت از زندگی در ارتباط بین عوامل شخصیت و اضطراب مرگ در سالمندان انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود که با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام شد. جامعه آماری تحقیق را همه سالمندان (افراد بالای ۶۰ سال) ساکن شهرستان‌های استان آذربایجان غربی تشکیل داد که از میان آنان، ۲۳۴ نفر (۱۵۰ مرد و ۸۴ زن) به شیوه در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مقیاس اضطراب مرگ Templer (Templer Death Anxiety Scale یا TDAS)، مقیاس رضایت از زندگی (Satisfaction with Life Scale یا SWLS) و مقیاس پنج عاملی NEO (NEO Five-Factor Inventory یا NEO-FFI) جمع‌آوری گردید. در نهایت، داده‌ها در نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: ارتباط منفی و مستقیمی بین هر یک از متغیرهای توافق و رضایت از زندگی با اضطراب مرگ مشاهده شد. هر یک از متغیرهای روان‌رنجورخویی و باوجدان بودن نیز با اضطراب مرگ رابطه مستقیم و مثبتی داشت. بر اساس یافته‌ها، روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و توافق، به صورت غیر مستقیم و با واسطه رضایت از زندگی، با اضطراب مرگ رابطه معنی‌داری را نشان داد.

نتیجه‌گیری: رضایت از زندگی در ارتباط با هر یک از عوامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و توافق با اضطراب مرگ در سالمندان نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند. بنابراین، افزایش رضایت از زندگی با کاهش اضطراب مرگ در سالمندان همراه است. همچنین، نتایج به دست آمده تأییدی بر مفروضه‌های نظریه Erikson مبنی بر رابطه رضایت از زندگی و پذیرش واقعیت مرگ در سالمندی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مرگ، اضطراب، رضایت از زندگی، عوامل شخصیت، سالمندی

ارجاع: خیاط خالد، تاجری بیوک، پاشنگ سارا، ملیحی الذاکرینی سعید. نقش میانجی رضایت از زندگی در رابطه بین عوامل شخصیت و اضطراب مرگ در سالمندان. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۷؛ ۱۶ (۲): ۱۸۹-۱۹۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۲/۶

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷/۴/۱۵

مقدمه

انسان از یک طرف نسبت به سرنوشت قطعی خود یعنی مرگ آگاه است و از طرف دیگر، میل به جاودانگی دارد. موضوع مرگ برای بعضی از افراد به شدت اضطراب‌برانگیز می‌باشد. بعضی دیگر اضطراب کمتری در این رابطه دارند و ممکن است برخی از انسان‌ها نگرش مثبتی نسبت به مرگ داشته باشند. بر اساس تئوری مدیریت وحشت (Terror management theory یا TMT)، اضطراب مرگ یک مسأله جهانی بشر است و مردم سعی می‌کنند به وسیله جهان‌بینی‌های فرهنگی، عزت نفس و روابط بین فردی نزدیک، با آن مقابله نمایند (۱).

روان‌شناسان، اضطراب مرگ را به عنوان پدیده پیچیده‌ای توصیف کرده‌اند که نشان دهنده ترکیبی از احساسات و فرایندهای فکری مختلف است. ترس از مرگ تحت عنوان «وحشت از وخامت جسمی و روانی، احساس تنهایی اساسی، تجربه اضطراب جدایی نهایی، غمگینی در مورد فقدان احتمالی خود و منتها

درجه خشم و ناامیدی در مورد وضعیتی که ما کنترلی روی آن نداریم» تعریف شده است (۲). فیلسوفان وجودی از آگاهی نسبت به «شکندگی وجود» (Jaspers)، «وحشت از نبودن» (Kierkegaard)، «ناممکنی امکانی دیگر» (Heidegger) و یا «اضطراب هستی‌شناختی» (Tillich) سخن گفته‌اند (۳). اضطراب مرگ در زندگی ما حضور دارد و به شیوه‌های مختلفی بر هر یک از ما تأثیر می‌گذارد و می‌توان آن را به عنوان احساس بیم، نگرانی و ترس از فکر مرگ یا هر چیز مربوط به مردن توصیف کرد (۴).

بسیاری از صاحب‌نظران و محققان، اضطراب مرگ را مسأله مهمی تلقی می‌کنند و بر این باور هستند که این مسأله، نقش مهمی را در زندگی ایفا می‌کند. Epicurus، فیلسوف و متفکر بزرگ یونانی اعتقاد دارد که ریشه اصلی فلاکت و بدبختی انسان، ترس فراگیر و همه جا حاضر از مرگ است (۵). به عقیده Becker، ترس از مرگ محرک اصلی فعالیت‌های انسان می‌باشد. انسان‌ها در تلاش برای حفظ خود، مرگشان را انکار (Denial) می‌کنند. آن‌ها

۱- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران

۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران

نویسنده مسؤول: بیوک تاجری

Email: btajeri@yahoo.com

نیاز دارند که از طریق اعمال قهرمانانه (Heroism)، داشتن فرزند و دستاوردهای مختلف، میراثی را از خود بر جای بگذارند و مرگ معنی‌داری داشته باشد (۶).

بر اساس نظر Langs، خطر مرگ اساسی‌ترین و فراگیرترین منبع ساختارهای دفاعی و انطباقی است. او اشاره می‌کند که شکل‌های خودآگاه و ناخودآگاه اضطراب مرگ همیشه حضور دارد و این اضطراب می‌تواند پیامدهای مختلفی به دنبال داشته باشد. از یک طرف تلاش‌های همراه با شکست و ناهنجار برای سازگاری با اضطراب مرگ، به میزان بسیار زیادی در برانگیختن ناراحتی‌های عاطفی نقش دارد و از طرف دیگر، تلاش برای مقابله با اضطراب مرگ، یک منبع مهم نوآوری و خلاقیت به شمار می‌رود (۷). Fireston و Catlett بر اساس بررسی‌هایی که انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اضطراب مرگ به صورت خودآگاه و ناخودآگاه و به ویژه در سطح ناخودآگاه وجود دارد. ترس از مرگ بر جنبه‌های قابل توجهی از زندگی تأثیر می‌گذارد و برای بسیاری از اعمال انگیزه ایجاد می‌کند. به نظر آن‌ها، در حوزه روان‌درمانی به موضوع اضطراب مرگ به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر رفتار انسان، نه علاقه کافی وجود داشته و نه پژوهش‌های کافی درباره آن انجام شده است (۲). Furer و همکاران بر این باور هستند که موضوع اضطراب مرگ در حوزه تحقیقات مربوط به اضطراب سلامتی، مورد غفلت واقع شده است. آن‌ها اشاره کردند که مطالعات بالینی و اپیدمیولوژیک نشان می‌دهد که اضطراب مرگ یک مسأله پروجو و تکرارشونده است (۸).

به نظر Yalom، تعداد زیادی از مردم اضطراب، افسردگی و سایر نشانه‌های بیماری را دارند که محرکشان ترس از مرگ است (۵). Iverach و همکاران با اشاره به شواهد مختلف، به این نتیجه رسیدند که اضطراب مرگ به عنوان یک ترس اساسی در هسته طیف وسیعی از اختلالات روانی از جمله هیپوکندریا (Hypochondria)، اختلال وحشت‌زدگی (Panic disorder)، اضطراب جدایی (Separation anxiety)، افسردگی (Depression) و اختلالات خوردن (Eating disorders) حضور دارد (۹). Hoelterhoff با بررسی نظریه‌های مختلف در مورد اضطراب مرگ، به این نتیجه رسید که با وجود تفاوت دیدگاه‌ها، همه موافق هستند که اضطراب مرگ می‌تواند یک مؤلفه سلامت روانی و بهزیستی باشد (۱۰). به طور کلی، نکات و مطالبی که مطرح گردید حاکی از اهمیت و نقش مسأله اضطراب مرگ در زندگی انسان‌ها است. مرگ برای افراد در سنین مختلف، معانی متفاوتی دارد؛ به خصوص این که فکر کنند چقدر به آن نزدیک هستند، در این رابطه تأثیرگذار است (۱۱). سالمندان بیشتر به مرگ فکر و درباره آن صحبت می‌کنند. آن‌ها از تغییرات جسمانی، میزان بالاتر بیماری و معلولیت و از دست دادن خویشاوندان و دوستان، شواهد بیشتری برای مرگ به دست می‌آورند (۱۲). بنابراین، می‌توان گفت که مسأله مرگ برای سالمندان، ملموس‌تر و نزدیک‌تر به نظر می‌رسد و می‌تواند فکر، احساس و رفتار و به طور کلی جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization یا WHO) در یک تعریف کلی، سن ۶۰ سالگی را مرز دوران سالمندی در نظر گرفته است (۱۳). البته کشورهای پیشرفته، سن تقویمی سالمندی را ۶۵ سال در نظر می‌گیرند. انجام پژوهش در مورد اضطراب مرگ در سالمندان با توجه به جمعیت رو به رشد آن‌ها و ویژگی‌های خاص افراد در این مرحله از زندگی، از اهمیت زیادی برخوردار است. بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که جمعیت

سالمندان در کشورهای مختلف جهان در حال افزایش است (۱۴). در ایران نیز این روند افزایشی وجود دارد. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در ایران در سال ۱۳۹۵، جمعیت افراد ۶۰ سال و بالاتر، ۹/۲۷ درصد می‌باشد. با توجه به کاهش مستمر باروری و افزایش امید به زندگی، انتظار می‌رود که روند افزایشی جمعیت سالمندان در کشورهای مختلف ادامه پیدا کند. احدی و جمهری بیان کردند که افزایش جمعیت سالمندان، توجه متخصصان را به نیازهای اولیه آنان از جمله نیازهای بهداشتی، عاطفی و روانی جلب کرده است که برطرف کردن چنین نیازهایی، مستلزم شناخت بهتر سالمندان و تمام ابعاد زندگی آنان است (۱۵). از جمله مسایل مهمی که سالمندان با آن مواجه هستند و برای آنان نزدیک‌تر و ملموس‌تر به نظر می‌رسد، مسأله مرگ و اضطراب ناشی از آن می‌باشد و همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، این موضوع نقش مهمی در زندگی آنان ایفا می‌کند.

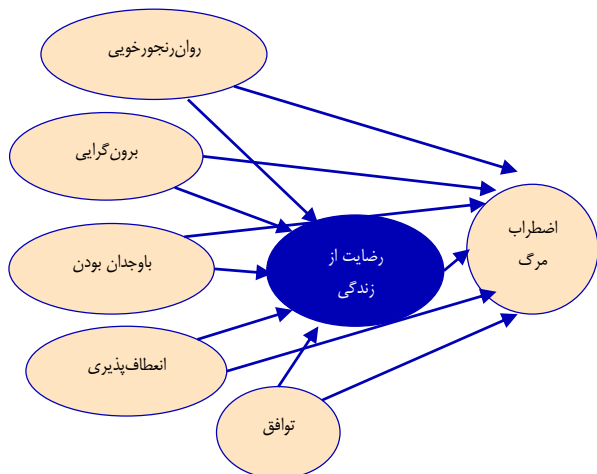
یکی از تغییرهایی که می‌تواند با اضطراب مرگ در سالمندان ارتباط داشته باشد، رضایت از زندگی (Life satisfaction) است. منظور از رضایت از زندگی، نگرش فرد، ارزیابی عمومی نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی می‌باشد. از نظر Diener و همکاران، رضایت از زندگی به یک فرایند قضایوتی-شناختی اشاره دارد که در آن، افراد به طور کلی کیفیت زندگی خود را بر اساس مجموعه‌ای از ملاک‌ها ارزیابی می‌کنند (۱۶). همچنین، به عقیده Sirgy، رضایت از زندگی شامل ارزیابی فرد از زندگی خود یا تکمیل زندگی بر اساس معیارهای مورد نظر است (۱۷).

Schultz و Schultz اعتقاد دارند که افراد در دوره سالمندی زندگی خود را بررسی می‌نمایند و به آن می‌اندیشند. اگر با احساس خشنودی و رضایت خاطر به گذشته بنگرند و معتقد باشند که به نحو شایسته‌ای با پیروزی‌ها و شکست‌ها کنار آمده‌اند، به احساس تمامیت و انسجام می‌رسند و در غیر این صورت، احساس ناامیدی خواهند کرد (۱۸). فرد ناامید از پذیرش این که چرخه حیات سرانجام به پایان راه می‌رسد، ناتوان است و از این‌رو، با ترس و تنفر به مرگ نزدیک می‌شود (۱۹). Yalom می‌گوید که در تجربه کامل زندگی، هرچه بیشتر ناکام مانده باشید، بیشتر از مرگ خواهید ترسید (۵). نتایج مطالعه دهقان و همکاران نشان داد که درمان مرور زندگی در کاهش اضطراب مرگ و افزایش رضایت از زندگی سالمندان مؤثر است. ریشه مرور زندگی به نظریه Erikson برمی‌گردد. در این روش، موقعیتی ایجاد می‌شود که طی آن فرد بتواند معانی جدیدتر و ساختاریافته‌تری را برای تجارب گذشته و حال خلق نماید و در جمع‌بندی موفقیت‌آمیز تجارب زندگی‌اش کمک می‌شود (۲۰).

نتایج پژوهش‌های Cohen و همکاران (۲۱) و Abdel-Khalek و Al-Sabwah (۲۲) حاکی از آن است که رضایت از زندگی با اضطراب مرگ رابطه منفی دارد. البته مطالعات مذکور بر روی سالمندان انجام نگرفته بود و شرکت‌کنندگان آن، نوجوان و جوان بودند (۲۲، ۲۱). بنابراین، به نظر می‌رسد که تعمیم دادن نتایج این تحقیقات به سالمندان مشکل است.

از جمله عوامل مهمی که می‌توان در ارتباط با اضطراب مرگ مورد بحث و بررسی قرار داد، صفات و ویژگی‌های شخصیتی است. نظریه‌های زیادی در ارتباط با شخصیت ارائه شده است و صاحب‌نظران و محققان به عوامل و صفات مختلفی اشاره کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین دستاوردها در این زمینه، نظریه پنج عاملی و تست مربوط به آن NEO Personality Inventory-Revised (NEO PI-R) را می‌توان نام برد که توسط McCrae و Costa ارائه شد.

ادبیات و پیشینه پژوهش‌های مختلف در این زمینه، مدل نظری مانند شکل ۱ پیشنهاد می‌شود که ممکن است کمک‌کننده باشد.



شکل ۱. مدل پیشنهادی ارتباط بین پنج عامل شخصیت، رضایت از زندگی و اضطراب مرگ

با توجه به ضرورت بررسی و شناخت عوامل مرتبط با زندگی سالمندان و کمک به ارتقای سلامت روان آن‌ها و همچنین، اهمیت و نقش اضطراب مرگ در این زمینه، پژوهش حاضر به دنبال آن بود که به این سؤالات پاسخ دهد: آیا هر یک از عوامل شخصیت (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق و باوجدان بودن) با اضطراب مرگ در سالمندان رابطه دارد؟ و آیا رضایت از زندگی در ارتباط بین عوامل شخصیت و اضطراب مرگ در سالمندان نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند؟

مواد و روش‌ها

این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود که با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام شد. جامعه آماری شامل همه سالمندان (۶۰ سال و بالاتر) ساکن شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۵ بود. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابتدا از میان شهرستان‌های استان، دو شهرستان مهاباد و بوکان به صورت تصادفی انتخاب شدند که تعداد کل سالمندان این دو شهرستان، ۳۶۳۵۹ نفر بود. سپس پرسش‌نامه‌ها در مراکز و مکان‌های مختلف (کانون بازنشستگان، مساجد، خانقاه، سازمان‌های مردم‌نهاد، پارک‌ها و مغازه‌ها) توزیع گردید و ۲۳۴ نفر به صورت تصادفی به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند.

۱۵۰ نفر از مشارکت‌کنندگان را مردان و ۸۴ نفر را زنان تشکیل دادند که دامنه سنی آن‌ها ۶۰ تا ۹۰ سال با میانگین $75 \pm 69/97$ سال بود. از نظر تحصیلات، ۶۷ نفر بی‌سواد، ۴۴ نفر ابتدایی، ۱۳ نفر راهنمایی، ۶ نفر دبیرستان، ۳۹ نفر دیپلم، ۲۳ نفر کاردانی، ۳۶ نفر کارشناسی و ۶ نفر کارشناسی ارشد داشتند. ۳۸ نفر دارای وضعیت اقتصادی پایین، ۱۳۷ نفر دارای وضعیت اقتصادی متوسط، ۵۱ نفر دارای وضعیت اقتصادی خوب و ۷ نفر دارای وضعیت اقتصادی

گروسی فرشی اشاره می‌کند که مدل پنج عاملی کانون مطالعات شخصیت در دنیا شده و پرسش‌نامه شخصیتی NEO PI-R کاربرد جهانی پیدا کرده است (۲۳). بر اساس این نظریه، پنج عامل اصلی شخصیت شامل بی‌ثباتی هیجانی یا روان‌رنجورخویی (Neuroticism)، برون‌گرایی (Extraversion)، انعطاف‌پذیری یا باز بودن به تجربه (Openness to experience)، توافقی یا دلی‌پذیر بودن (Agreeableness)، وظیفه‌شناسی یا باوجدان بودن (Conscientiousness) می‌باشد.

به نظر می‌رسد که عوامل شخصیت، نقش مهمی در سلامتی افراد دارند. برون‌گرایی با سلامت روانی و جسمی همراه است. افرادی که وظیفه‌شناسی آن‌ها در سطح بالایی قرار دارد، سلامتی و طول عمر بیشتری دارند. افراد دارای روان‌رنجورخویی بالا ممکن است نگران رویدادهای آینده باشند و مدام به شکست‌ها و ضعف‌ها فکر می‌کنند و دیدی منفی در مورد خود و دیگران دارند (۲۴). نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، باوجدان بودن و دلی‌پذیر بودن با اضطراب مرگ رابطه منفی و روان‌رنجورخویی با اضطراب مرگ رابطه مثبتی دارد (۲۵، ۲۶). همچنین، نتایج پژوهش باباخانی و همکاران حاکی از آن است که اضطراب مرگ در سالمندان با روان‌رنجورخویی رابطه مستقیم و معنی‌دار و با برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری رابطه معکوسی دارد (۲۷). Foss-Goodman و Frazier در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که روان‌رنجورخویی با اضطراب مرگ ارتباط مثبتی دارد، اما میزان همبستگی برون‌گرایی با اضطراب مرگ به سطح معنی‌داری نرسید (۲۸). در مورد تحقیقات مذکور باید گفت که نتایج یکسان نیستند و در مورد تعداد عوامل شخصیتی که با اضطراب مرگ ارتباط دارند، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. بنابراین، انجام پژوهش‌های بیشتر، ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که روان‌رنجورخویی با رضایت از زندگی رابطه منفی و معنی‌دار و هر یک از عوامل برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدانی بودن با رضایت از زندگی رابطه مثبتی دارد (۲۹، ۳۰)، اما در بررسی‌های صورت گرفته، بین عامل تجربه‌گرایی (انعطاف‌پذیری) و رضایت از زندگی ارتباط معنی‌داری یافت نشد. نتایج پژوهش قیطانچی و ابراهیمی مقدم حاکی از آن است که بین روان‌رنجورخویی و شادکامی همبستگی منفی و معنی‌دار و بین برون‌گرایی و شادکامی همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده می‌شود (۳۱). Sirgy با توجه به نتایج تحقیقات مختلف، به این نکته اشاره کرد که شادکامی و رضایت از زندگی، ۶۰-۵۰ درصد واریانس مشترک دارند (۱۷).

با توجه به اهمیت موضوع و همچنین، محدودیت‌هایی که در مطالعات مطرح شده وجود دارد (مانند مشکل در تمییز نتایج به سالمندان به دلیل استفاده از افراد جوان و دانشجو در بیشتر پژوهش‌ها، تفاوت در نتایج پژوهش‌ها، مشکل در تعمیم نتایج به افراد متعلق به فرهنگ‌ها و ادیان مختلف و تعداد کم پژوهش‌های معتبر در رابطه با متغیرهای پژوهش حاضر)، لازم است که تحقیقات بیشتری به منظور بررسی ارتباط هر یک از عوامل شخصیت و رضایت از زندگی با اضطراب مرگ در سالمندان انجام گیرد. علاوه بر این، بررسی نقش واسطه‌ای رضایت از زندگی در ارتباط بین عوامل شخصیت و اضطراب مرگ در سالمندان ضروری به نظر می‌رسد.

رضایت از زندگی و پنج عامل شخصیت ممکن است به طور مستقیم با اضطراب مرگ ارتباط داشته باشند و یا این که عوامل شخصیت به واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ در سالمندان رابطه داشته باشد. با جمع‌بندی

بسیار خوب بودند. از لحاظ وضعیت سلامتی، ۱۸۴ نفر سالم و ۵۰ نفر بیمار و از نظر وضعیت اشتغال، ۴۸ نفر شاغل، ۹۴ نفر بیکار و ۹۲ نفر بازنشسته بودند. ۱۳ نفر مجرد، ۱۶۶ نفر متأهل، ۱۰ نفر مطلقه و ۴۵ نفر بیوه بودند.

مقیاس اضطراب مرگ (Templer Death Anxiety Scale یا TDAS):

این مقیاس ۱۵ ماده‌ای برای اولین بار توسط Templer در سال ۱۹۷۰ ساخته شد. دامنه نمرات مقیاس TDAS از صفر تا ۱۵ می‌باشد و نمره بالاتر نشان دهنده اضطراب بیشتر در مورد مرگ است. Cohen و همکاران به پایایی و روایی قابل قبول این مقیاس اشاره کرده‌اند (۲۱). پایایی و روایی این آزمون در ایران توسط رجبی و بحرانی مورد بررسی قرار گرفت و ضریب پایایی آن (با استفاده از روش دو نیمه کردن) ۰/۶۰ و ضریب همسانی درونی ۰/۷۳ گزارش گردید (۳۲).

مقیاس رضایت از زندگی (Satisfaction with Life Scale یا SWLS):

این مقیاس پنج سوالی توسط Diener و همکاران در سال ۱۹۸۵ به منظور سنجش میزان رضایت کلی از زندگی تهیه گردید. پاسخگویی به گویه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد. آن‌ها پایایی (ضریب همبستگی ۰/۸۲ و ضریب Cronbach's alpha ۰/۸۷) و روایی (به شیوه همگرا و افتراقی) مطلوبی را برای این مقیاس گزارش نمودند (۱۶). شیخی و همکاران، ضرایب Cronbach's alpha و بازآزمایی مقیاس رضایت از زندگی را به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۷ محاسبه کردند (۳۳).

مقیاس پنج عاملی NEO (NEO Five-Factor Inventory یا NEO-FFI):

این پرسش‌نامه فرم کوتاه (۶۰ سوالی) NEO PI-R می‌باشد که برای ارزیابی مختصر و سریع پنج عامل اصلی (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق و باوجدان بودن) طراحی شده است. این آزمون و مدل پنج عاملی شخصیت توسط Costa و McCrae ارائه گردید و از ۶۰ گویه بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تهیه شده است که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت را اندازه می‌گیرد. نمرات هر عامل جداگانه محاسبه می‌شود و در نهایت، پنج نمره به دست می‌آید. مقیاس NEO-FFI در ایران توسط گروسی فرشی هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از روش بازآزمایی بر روی دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برای عوامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق و باوجدان بودن به دست آمد (۲۳). همچنین، حق‌شناس گزارش کرد که در بررسی ثبات درونی این پرسش‌نامه، ضرایب Cronbach's alpha به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۶۸ و ۰/۸۱ برای شاخص‌های N (روان‌رنجورخویی)، E (برون‌گرایی)، O (انعطاف‌پذیری)، A (توافق) و C (باوجدان بودن) به دست آمده است (۳۴). در زمینه روایی هم‌زمان، رابطه بالایی بین این آزمون و آزمون نشانگر ریخت Myers-Briggs (Myers-Briggs Type Indicator یا MBTI)، پرسش‌نامه چند جنبه‌ای شخصیتی Minnesota (Minnesota Multiphasic Personality Inventory یا MMPI)، پرسش‌نامه تجدید نظر شده کالیفرنیا و بررسی مزاج، گزارش گردید (۳۵).

به منظور فراهم نمودن زمینه برای اجرای پرسش‌نامه‌ها، به مراکز و مکان‌های مختلف از جمله کانون بازنشستگان، خانه سالمندان، سازمان‌های مردم نهاد و خانقاه مراجعه شد و مسؤولان هر یک از این مراکز، آمادگی خود را برای همکاری ابراز نمودند. همچنین، پارک‌ها و بعضی از مغازه‌ها نیز برای

ارتباط با سالمندان و اجرای پرسش‌نامه‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. در ابتدا و قبل از این که افراد شرکت‌کننده پاسخگویی به سؤالات را شروع نمایند، توضیحاتی مقدماتی در رابطه با اهداف پژوهش، مقیاس‌ها و نحوه تکمیل آن‌ها و اطمینان‌دهی از محرمانه بودن اطلاعات وارد شده و اختیاری بودن نوشتن نام و نام خانوادگی ارائه می‌شد. سپس پرسش‌نامه‌ها به سالمندان داده شد. شرکت‌کنندگان ابتدا به سؤالات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خود شامل سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی و سلامتی و سپس به سؤالات پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ (version 24, IBM Corporation, Armonk, NY) و SmartPLS نسخه ۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یکی از مهم‌ترین فرضیات در تحلیل‌های آماری، اطمینان از نرمال بودن داده‌ها قبل از تحلیل می‌باشد. در جدول ۱، داده‌های مربوط به میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است.

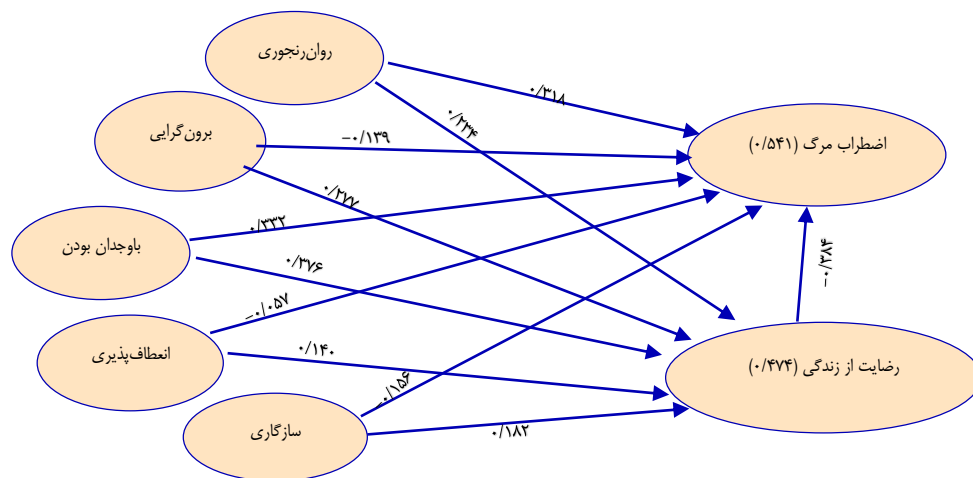
جدول ۱. نتایج تحلیل آمار تک متغیره برای متغیرهای پیوسته

متغیرها	میانگین $\pm$ انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	نتیجه
رضایت از زندگی	۱۹/۷۷ $\pm$ ۶/۶۵	-۰/۳۸۵	-۰/۸۶۰	نرمال
اضطراب مرگ	۶/۲۳ $\pm$ ۳/۸۲	۰/۴۴۱	-۰/۷۲۹	نرمال
روان‌رنجورخویی	۱۵/۷۴ $\pm$ ۶/۸۰	-۰/۱۰۷	-۰/۲۴۵	نرمال
برون‌گرایی	۲۳/۹۵ $\pm$ ۴/۸۹	-۰/۳۴۶	-۰/۷۲۹	نرمال
انعطاف‌پذیری	۱۷/۳۰ $\pm$ ۳/۷۴	۰/۰۳۸	-۰/۳۹۷	نرمال
توافق	۲۱/۹۹ $\pm$ ۵/۲۳	-۰/۱۳۴	-۰/۱۰۴	نرمال
باوجدان بودن	۲۷/۶۷ $\pm$ ۵/۶۳	-۰/۵۵۵	-۰/۶۴۶	نرمال

با توجه به یافته‌های جدول ۱، هرچه میزان چولگی و کشیدگی کمتر باشد و به سمت صفر میل کند، داده‌ها نرمال‌تر خواهد بود. همچنین، اگر چولگی و کشیدگی بین ۲- تا ۲+ باشد، داده‌ها تا حدودی نرمال می‌باشد. نتایج جدول تأییدکننده نرمال بودن داده‌های پژوهش بود.

لازم به ذکر است، در پژوهش‌هایی که هدف، آزمون مدل خاصی از رابطه بین متغیرها است، از تحلیل مدل معادلات ساختاری استفاده می‌شود. روش‌های متنوعی برای اجرای مدل معادلات ساختاری وجود دارد که یکی از جدیدترین رویکردها در مدل معادلات ساختاری، روش حداقل مجزورات جزیی (Partial Least Squares یا PLS) است. جهت برازش مدل مفهومی پژوهش حاضر و آزمون فرضیه‌ها، از روش PLS در نرم‌افزار Smart PLS استفاده گردید.

مدل آزمون شده مطالعه در شکل ۲ نشان داده شده است. با توجه به این شکل، ضریب تأثیر متغیرهای روان‌رنجوری، باوجدان بودن، سازگاری و رضایت از زندگی بر اضطراب مرگ معنی‌دار می‌باشد. عدد داخل دایره، واریانس تبیین شده متغیرهای رضایت از زندگی و اضطراب مرگ بود. بر این اساس، واریانس تبیین شده متغیر رضایت از زندگی توسط متغیرهای روان‌رنجوری، باوجدان بودن، سازگاری، انعطاف‌پذیری و برون‌گرایی، ۴/۴۷ درصد می‌باشد.



شکل ۲. اندازه‌گیری مدل کلی و نتایج فرضیه‌ها در حالت استاندارد

اطمینان مورد نظر با توجه به حدود پایین و بالای ذکر شده، صفر را در برمی‌گیرد. بنابراین، رابطه غیر مستقیم معنی‌دار نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رضایت از زندگی در ارتباط بین عوامل شخصیت و اضطراب مرگ در سالمندان انجام گرفت. نتایج به دست آمده ارتباط مستقیم هر یک از متغیرهای روان‌رنجورخویی، توافق، باوجدان بودن و رضایت از زندگی با اضطراب مرگ را نشان داد. همچنین، روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و توافق، به صورت غیر مستقیم با واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ رابطه دارند.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، بین روان‌رنجورخویی و اضطراب مرگ در سالمندان رابطه مثبتی وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات احمدی و باقری (۲۵)، فرامرزی و همکاران (۲۶)، باباخانی و همکاران (۲۷) و Foss- Goodman (۲۸) همسو بود. افراد دارای روان‌رنجورخویی بالا، ممکن است نگران رویدادهای آینده باشند، مدام به شکست‌ها و ضعف‌ها فکر کنند و دید منفی در مورد خود و دیگران داشته باشند (۲۴). با توجه به این که افراد دارای روان‌رنجورخویی، آمادگی بیشتری برای تجربه عواطف منفی از جمله ترس و اضطراب دارند و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با استرس کنار می‌آیند، انتظار می‌رود که نسبت به موضوع مرگ نیز اضطراب بیشتری را تجربه نمایند.

همچنین، واریانس تبیین شده متغیر اضطراب مرگ توسط روان‌رنجوری، باوجدان بودن، سازگاری، انعطاف‌پذیری و برون‌گرایی، ۵۴/۱ درصد به دست آمد. برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل، از شاخص بررسی اعتبار اشتراک (CV-Communality) استفاده شد. مقادیر مثبت این شاخص، نشانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌باشد که در مطالعه حاضر نیز این شاخص مثبت بود و به ترتیب ۰/۱۸۹ و ۰/۲۹۲ برای اضطراب مرگ و رضایت از زندگی به دست آمد.

جهت بررسی روابط بین متغیرها و تأیید کل مدل، از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. تحلیل مسیر در پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار PLS انجام گرفت. یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه‌های مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس داده‌های جدول ۲، رابطه هر یک از متغیرهای روان‌رنجورخویی، توافق، باوجدان بودن و رضایت از زندگی با اضطراب مرگ در سالمندان مورد تأیید قرار گرفت، اما رابطه برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری با اضطراب مرگ به سطح معنی‌داری نرسید.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های غیر مستقیم در جدول ۳ آمده است. در تحقیق حاضر روابط غیر مستقیم از طریق روش Bootstrap مورد بررسی قرار گرفت.

باتوجه به یافته‌های جدول ۳، رابطه هر یک از متغیرهای روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و توافق با واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ در سالمندان مورد تأیید قرار گرفت، اما رابطه متغیر باوجدان بودن با واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ در سالمندان تأیید نشد؛ چرا که فاصله

جدول ۲. بررسی معنی‌داری ضرایب تأثیر برآورد شده و آزمون فرضیه‌های اختصاصی پژوهش

فرضیه آزمون شده	رابطه مورد بررسی	ضریب تأثیر برآورد شده	مقدار T	مقدار P	نتیجه
اول	روان رنجوری و اضطراب مرگ	۰/۳۱۸	۴/۲۲۳	۰/۰۰۱	تأیید
دوم	برون گرایی و اضطراب مرگ	-۰/۱۳۹	۱/۸۳۲	۰/۰۶۸	رد
سوم	انعطاف‌پذیری و اضطراب مرگ	-۰/۰۵۷	۰/۸۰۶	۰/۴۲۱	رد
چهارم	توافق و اضطراب مرگ	-۰/۱۵۶	۲/۱۶۸	۰/۰۳۱	تأیید
پنجم	باوجدان بودن و اضطراب مرگ	۰/۳۳۲	۴/۱۳۰	۰/۰۰۱	تأیید
ششم	رضایت از زندگی و اضطراب مرگ	-۰/۳۸۴	۵/۹۹۲	۰/۰۰۱	تأیید

جدول ۳. نتایج روش Bootstrap روابط غیر مستقیم در کل نمونه‌ها

مسیر	مقدار T	حد پایین	حد بالا	نتیجه
بین روان‌رنجورخویی و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.	۲/۱۹۳	-۰/۱۸۰	-۰/۰۲۰	تأیید
بین برون‌گرایی و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.	۲/۹۲۸	-۰/۱۷۵	-۰/۰۳۸	تأیید
بین انعطاف‌پذیری و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.	۱/۹۵۴	-۰/۱۱۵	-۰/۰۰۶	تأیید
بین توافق و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.	۱/۹۸۱	-۰/۱۴۸	-۰/۰۱۰	تأیید
بین باوجدان بودن و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.	۴/۱۶۲	-۰/۲۱۵	۰/۰۸۴	رد

علاوه بر این، نتایج بررسی حاضر نشان داد که روان‌رنجورخویی به طور غیر مستقیم با واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ رابطه دارد. نتایج پژوهش‌های نشان دهنده این است که روان‌رنجورخویی با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد (۲۹، ۳۰). همچنین، بر اساس نتایج بعضی از مطالعات، بین رضایت از زندگی با اضطراب مرگ رابطه منفی مشاهده شده است (۲۲، ۲۱). بنابراین، افرادی که به میزان بیشتری روان‌رنجورخو هستند، رضایت کمتری از زندگی دارند و می‌توان گفت که ترس و اضطراب این افراد از مرگ بیشتر است. به طور کلی، روان‌رنجورخویی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم با واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ ارتباط دارد.

در تحقیق حاضر، رابطه بین برون‌گرایی و اضطراب مرگ در سالمندان به سطح معنی‌داری نرسید. این یافته با نتایج مطالعات احمدی و باقری (۲۵)، فرامرزی و همکاران (۲۶) و باباخانی و همکاران (۲۷) همخوانی نداشت، اما با نتایج پژوهش Frazier و Foss-Goodman (۲۸) همسو بود. علل این تفاوت‌ها، مربوط به نمونه‌های مختلف مورد بررسی در مطالعات و یا اثر تعاملی و واسطه‌ای متغیرهای دیگری است که در این رابطه نقش دارند. بنابراین، برای روشن شدن این مسأله لازم است که بررسی‌های بیشتری انجام گیرد. یافته دیگر بررسی حاضر این بود که بین برون‌گرایی و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه وجود داشت. نتایج تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که برون‌گرایی با رضایت از زندگی رابطه مثبتی دارد (۲۹، ۳۰). علاوه بر این، نتایج مطالعه قیطانچی و ابراهیمی مقدم نشان داد که بین برون‌گرایی و شادکامی رابطه مثبتی وجود دارد (۳۱). Sirgy با توجه به نتایج بررسی‌های مختلف، به این نکته اشاره کرد که شادکامی و رضایت از زندگی، ۵۰-۶۰ درصد واریانس مشترک دارند (۱۷). همچنین، بر اساس نتایج بعضی از پژوهش‌ها، بین رضایت از زندگی با اضطراب مرگ رابطه منفی مشاهده شده است (۲۲، ۲۱). بنابراین، افراد برون‌گرا به دلیل این که آمادگی بیشتری برای تجربه عواطف مثبت دارند و خوش‌بین، سرزنده، شاد و دارای دوستان بیشتری هستند، رضایت آن‌ها از زندگی بیشتر است و همین رضایت بیشتر از زندگی می‌تواند با کاهش اضطراب مرگ همراه شود.

در پژوهش حاضر، ارتباط معنی‌داری بین انعطاف‌پذیری و اضطراب مرگ مشاهده نشد. اگرچه این یافته با نتایج به دست آمده از مطالعات پیشین (۲۷-۲۵) مطابقت ندارد، اما در میان پنج عامل بزرگ شخصیت، عامل انعطاف‌پذیری بسیار کمتر در نزد متخصصان شناخته شده است (۳۴، ۲۳). بنابراین، تحقیقات بیشتری باید انجام گیرد تا این عامل و رابطه آن با اضطراب مرگ شناخته شود. احتمال دارد تفاوت این یافته با نتایج حاصل از بررسی‌های قبلی، ناشی از نمونه‌های مورد بررسی، تعداد زیاد سؤالات پرسش‌نامه‌ها و خستگی پاسخ دهنده‌ها، متفاوت بودن بارهای عاملی گویه‌ها در مطالعه حاضر با پژوهش‌های دیگر شود. البته

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین انعطاف‌پذیری و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. عناصر تشکیل دهنده انعطاف‌پذیری شامل تصورات فعال، حساسیت به زیبایی و توجه به تجارب عاطفی درونی می‌باشد. افراد انعطاف‌پذیر، کنج‌کاو هستند و زندگی آن‌ها سرشار از تجربه است و طالب لذت بردن از نظریه‌های جدید و ارزش‌های غیر متعارف می‌باشند (۳۴). این افراد رویدادهای مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند (۱۸). با توجه به نتایج مطالعه حاضر، می‌توان گفت که افراد انعطاف‌پذیر، رضایت بیشتری از زندگی دارند و رضایت بیشتر از زندگی، با کاهش اضطراب مرگ همراه است.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که بین توافق و اضطراب مرگ در سالمندان رابطه منفی وجود داشت. این یافته با نتایج به دست آمده از مطالعات قبلی (۲۶، ۲۵) همسو بود. فرد موافق نوع‌دوست است، با دیگران احساس همدردی می‌کند و مشتاق کمک به آنان است و اعتقاد دارد که دیگران نیز با او همین رابطه را دارند. این شاخص به سمت جنبه‌های مثبت اجتماعی و سلامت روانی بیشتر سوق دارد (۳۴). به نظر می‌رسد که افراد موافق یا دلیزیر با داشتن ویژگی‌های مذکور و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی بالا، بهتر می‌توانند با استرس‌ها و اضطراب‌های ناشی از مسایل مختلف از جمله اضطراب مرگ مقابله نمایند. همچنین، نتایج بررسی حاضر نشان داد که بین توافق و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی رابطه منفی وجود دارد. تحقیق مرعشی و همکاران نتیجه‌گیری کرد که بین توافق (دلیزیر بودن) و رضایت از زندگی رابطه مثبتی وجود دارد (۲۹). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، افراد موافق یا دلیزیر از ویژگی‌هایی مانند نوع‌دوستی، همدردی، اعتماد، روابط خوب با دیگران، حمایت‌های اجتماعی بالا و سلامت روانی بیشتری برخوردار هستند. بنابراین، از زندگی رضایت بیشتری دارند. از طرف دیگر، نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که رضایت بیشتر از زندگی، با اضطراب مرگ کمتر همراه می‌باشد (۲۲، ۲۱). بنابراین، توافق یا دلیزیر بودن می‌تواند با واسطه رضایت از زندگی با اضطراب مرگ ارتباط پیدا کند.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، بین باوجدان بودن و اضطراب مرگ رابطه مثبتی مشاهده شد. این یافته با نتایج مطالعات احمدی و باقری (۲۵) و فرامرزی و همکاران (۲۶) مشابهت نداشت. نتایج تحقیقات قبلی نشان داده بود که بین باوجدان بودن و اضطراب مرگ رابطه منفی وجود دارد. از جمله تفاوت این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های قبلی می‌توان به نمونه‌های مورد بررسی، تعداد زیاد سؤالات پرسش‌نامه‌ها و متفاوت بودن بارهای عاملی گویه‌ها در پژوهش در مقایسه با مطالعات دیگر، اشاره کرد. ممکن است در مورد این یافته پژوهش حاضر، به این صورت بحث شود که افراد به دلیل اضطراب مرگ بالاتر، سعی می‌کنند باوجدان‌تر باشند. شاید کسانی که در دوره سالمندی و اواخر عمر خود به

سر می‌برند و اضطراب مرگ بالایی نیز دارند، نمی‌خواهند که وجدان یا وظیفه‌شناسی خود را زیر سؤال ببرند و این کار برای آن‌ها سخت است و یا ممکن است این افراد بسیار کمال‌گرا باشند و به این دلیل، هر اندازه که وظیفه‌شناس و منظم هم باشند، باز هم احساس کنند که نتوانسته‌اند وظایف خود را به خوبی انجام دهند. بنابراین، از این نظر احساس اضطراب و استرس کنند و خود را در معرض قضاوت دیگران، خودشان و حتی خداوند ببینند و در نهایت، به دلیل این که از نظر خودشان زندگی را تکمیل نکرده و یا ناموفق بوده‌اند، اضطراب مرگ بیشتری داشته باشند. بالا بودن نمره در عامل باوجدان بودن، نه تنها جنبه مثبت، بلکه جنبه منفی هم دارد. جنبه‌های مثبت این عامل شامل موفقیت‌های حرفه‌ای و دانشگاهی، خویشن‌داری و کنترل تکانه‌ها، قابل اعتماد بودن و وقت‌شناسی می‌شود، اما در جنبه‌های منفی، نمره بالا همراه با ویژگی ایرادگیری‌های کسل‌کننده، وسواس اجباری به پاکیزگی و با فشار فوق‌العاده به خود در امور کاری و حرفه‌ای مشاهده می‌شود (۳۴). همین جنبه‌های منفی به ویژه در دوره سالمندی که با افت توان و انرژی در انجام مسئولیت‌ها و کاهش موفقیت‌ها همراه است، می‌تواند استرس و اضطراب بیشتری را ایجاد نماید و آمادگی برای مرگ پیش رو را مختل کند. با توجه به این که باوجدان بودن با کانون کنترل درونی ارتباط دارد (۲۳)، شاید افراد باوجدان در برابر مرگ خود که قطعی است و خارج از کنترل آن‌ها می‌باشد، دچار اضطراب بیشتری شوند.

در پژوهش حاضر، رابطه بین باوجدان بودن و اضطراب مرگ در سالمندان با واسطه رضایت از زندگی، به سطح معنی‌داری نرسید. این یافته نشان دهنده آن است که هیچ کدام از جنبه‌های مثبت و منفی باوجدان بودن (در سطور بالاتر به این جنبه‌ها اشاره شد) نسبت به یکدیگر، به ویژه در دوره سالمندی تا این اندازه قوی نیست که بتواند با رضایت از زندگی رابطه مثبت یا منفی داشته باشد. بنابراین، باوجدان بودن نمی‌تواند تغییری در رضایت از زندگی ایجاد کند تا رضایت از زندگی، بین باوجدان بودن و اضطراب مرگ نقش واسطه‌ای ایفا نماید. اگر باوجدان بودن می‌توانست تغییری در رضایت از زندگی ایجاد کند، با توجه به این که بین رضایت از زندگی و اضطراب مرگ رابطه وجود دارد (۲۲، ۲۱)، رضایت از زندگی بین باوجدان بودن و اضطراب مرگ نقش واسطه‌ای ایفا می‌کرد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، بین رضایت از زندگی و اضطراب مرگ در سالمندان رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج به دست آمده از مطالعات Cohen

و همکاران (۲۱) و Abdel-Khalek و Al-Sabwah (۲۲) مطابقت داشت. از نظر Erikson، سالمندانی که بتوانند تجارب مراحل هشت‌گانه زندگی خود را در پیری جمع‌بندی کنند و با آن‌ها مواجه شوند، به معنا و مفهوم خاصی در زندگی دست یافته‌اند. موفقیت در این راستا، به شکل‌گیری صفت مطلوب این دوره یعنی «خرد» می‌انجامد. به اعتقاد Erikson، خرد شامل پذیرش کل زندگی است. چنین افرادی در زندگی احساس رضایت می‌کنند و مرگ را مانند واقعیتی اجتناب‌ناپذیر می‌پذیرند (۱۵). به عقیده Yalom، در تجربه کامل زندگی هرچه بیشتر ناکام مانده باشید، بیشتر از مرگ خواهید ترسید (۵). یکی از روش‌های درمانی که ریشه آن به نظریه Erikson برمی‌گردد، درمان مرور زندگی است. نتایج تحقیق دهقان و همکاران نشان داد که درمان مرور زندگی موجب کاهش اضطراب مرگ و افزایش رضایت از زندگی در سالمندان می‌شود (۲۰).

در مجموع، نتایج مطالعه حاضر تأییدی بر مفروضه‌های نظریه Erikson مبنی بر رابطه رضایت از زندگی و پذیرش واقعیت مرگ در سالمندی بود. با توجه به نقش رضایت از زندگی در اضطراب مرگ، لازم است که مسئولان، برنامه‌ریزان و متخصصان، این امر مهم را مورد نظر قرار دهند و زمینه‌ای را فراهم آورند تا سالمندان از زندگی خودشان رضایت بیشتری داشته باشند و از این طریق به ارتقای سلامت و بهزیستی سالمندان کمک نمایند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که نمونه‌ها تنها از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی انتخاب شدند. بنابراین، نتایج مطالعه را نمی‌توان به آسانی به کل جامعه سالمندان تعمیم داد. همچنین، تعداد سؤالات مقیاس‌های مختلفی که برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت، بسیار زیاد و خسته‌کننده بود و شاید همین مسئله بر نتایج تأثیر گذاشت. با توجه به محدودیت‌های تحقیق حاضر، توصیه می‌شود که در بررسی‌های آینده از نمونه‌های گسترده‌تر (در استان‌ها و مناطق دارای فرهنگ‌های مختلف) و ابزارهای سنجشی بهتری استفاده شود.

سپاسگزاری

بدین وسیله نویسندگان از همه سالمندان شرکت‌کننده و مسئولان محترم کانون بازنشستگان، خانه سالمندان، سازمان‌های مردم‌نهاد و خانقاه که در انجام مطالعه حاضر همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.

References

1. Darrell A, Pyszczynski T. Terror management theory: Exploring the role of death in life. In: Harvell LA, Nisbett GS, Editors. Denying death: An interdisciplinary approach to terror management theory. London, UK: Psychology Press; 2016. p. 1-15.
2. Firestone R, Catlett J. Beyond death anxiety: Achieving life-affirming death awareness. Berlin, Germany: Springer Publishing Company; 2009.
3. Zandi M. An existentialist approach to the relationship between mortality and mental health from the perspective of verses and narrations [PhD Thesis]. Tehran, Iran: Bagher Al-Olum University; 2015. [In Persian].
4. Sinoff G. Thanatophobia (Death Anxiety) in the elderly: The problem of the child's inability to assess their own parent's death anxiety state. Front Med (Lausanne) 2017; 4: 11.
5. Yalom ID. Staring at the sun (overcoming the terror of death). Trans. Gobraei M. Mashhad, Iran: Niko Publications; 2012. [In Persian].
6. Becker E. The denial of death. New York, NY: Free Press; 1973.
7. Langs R. Death anxiety and clinical practice. London, UK: Karnac Books; 1997.
8. Furer P, Walker JR, Stein MB. Treating health anxiety and fear of death: A practitioner's guide. Berlin, Germany: Springer Science & Business Media; 2007.

9. Iverach L, Menzies RG, Menzies RE. Death anxiety and its role in psychopathology: Reviewing the status of a transdiagnostic construct. *Clin Psychol Rev* 2014; 34(7): 580-93.
10. Hoelterhoff M. A theoretical exploration of death anxiety. *Journal of Applied Psychology and Social Science* 2015; 1(2): 1-17.
11. Papalia DE, Olds SW, Feldman RD. Human development. Trans. Arab Khehestan D, Avadis Yance H, Sohrabi HR, Davar Panah F, Hayatroushnai A, Naqshbandi S. Tehran, Iran: Roshd Publications; 2013. [In Persian].
12. Berk L, Berk LE. Development through the lifespan. Trans. Sayed Mohammadi Y. Tehran, Iran: Arasbaran Publications; 2016.
13. Akbari Kamrani AA. Memory and cognition in aging. Tehran, Iran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Publications; 2006.
14. Darabi S, Torabi F. Analysis and comparison of aging population in Europe and Asia during 1950 to 2015. *Salmand Iran J Ageing* 2017; 12(1): 30-43. [In Persian].
15. Ahadi H, Jomehri F. Developmental psychology adolescence, adulthood (Early, Middle, late). Qom, Iran: Ayandeh Darakhshan Publications; 2010. [In Persian].
16. Diener E, Emmons RA, Larsen RJ, Griffin S. The satisfaction with life scale. *J Pers Assess* 1985; 49(1): 71-5.
17. Sirgy J. The Psychology of quality of life: Hedonic well-being, life satisfaction, and eudaimonia. Berlin, Germany: Springer Science & Business Media; 2012.
18. Schultz DP, Schultz SE. Theories of personality. Trans. Sayed Mohammadi Y. Tehran, Iran: Virayesh Publications; 2010. [In Persian].
19. Wulff DM. Psychology of Religion. Trans. Dehghani M. Tehran, Iran: Roshd Publications; 2007. [In Persian].
20. Dehghan K, Shariatmadar A, Kalantar Hormozi A. Effectiveness of life review therapy on death anxiety and life satisfaction of old women of Tehran. *Counseling Culture and Psychotherapy* 2015; 6(22): 15-39. [In Persian].
21. Cohen AB, Pierce JD, Chambers J, Meade R, Gorvine BJ, Koenig HG. Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the afterlife, death anxiety, and life satisfaction in young Catholics and Protestants. *J Res Pers* 2005; 39(3): 307-24.
22. Abdel-Khalek AM, Al-Sabwah MN. Satisfaction with life and death distress. *Psychol Rep* 2005; 97(3): 790-2.
23. Garousi Farshi MT. New approaches to personality assessment (the use of factor analysis in the study of personality). Tabriz, Iran: Daniel Publications; 2001. [In Persian].
24. Sanderson CA. Health psychology. Hoboken, NJ: Wiley; 2012.
25. Ahmadi H, Bagheri M. Prediction of anxiety death based on psychological hardiness and personality traits. *Journal of Personality & Individual Differences* 2015; 4(9): 95-114. [In Persian].
26. Faramarzi H, Alipur S, Mahdeyani N, Valipur M. The role of quality of life and personality characteristics by death anxiety in Medical Students of Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. *Proceedings of the 1st Scientific Conference of Psychology, Education and Pathology*; 2015 Sep. 1; Kerman, Iran. [In Persian].
27. Babakhani N, Khan N, Bakhtiari H. Prediction of death anxiety based on five big personality characteristics in the elderly of Tehran. *Proceedings of the 1st Scientific Conference of Psychology, Education and Pathology*; 2015 Sep. 1; Kerman, Iran. [In Persian].
28. Frazier PH, Foss-Goodman D. Death anxiety and personality: Are They Truly Related? *Omega* 1989; 19(3): 265-74.
29. Marashi SA, Mehrabiyan T, Mosalman M. The relationship of personality traits and spiritual intelligence with life satisfaction in an industrial company in Ilam, Iran. *Military Caring Sciences* 2016; 3(1): 48-55. [In Persian].
30. Tamannayeefar MR, Mansoori Nik A. The prediction of life satisfaction based personality factors, social support and spiritual well-being. *Journal of Psychology* 2013; 8(29): 67-87. [In Persian].
31. Gheitanchi S, Ebrahimi Moghadam H. Prediction of happiness based on five factors model of personality and meta-cognitive beliefs in elderly. *Journal of Aging Psychology* 2016; 2(1): 22-13. [In Persian].
32. Rajabi GH, Bohrani M. Item factor analysis of the death anxiety scale. *Journal of Psychology* 2002; 5(4): 331-44. [In Persian].
33. Sheikhi M, Houman Heidar A, Ahadi H, Sepah Mansour M. Psychometric properties of satisfaction with life scale. *Andisheh va Raftar (Applied Psychology)* 2011; 5(19): 15-26. [In Persian].
34. Haghshenas H. Five-factor design of personality traits (NEO-PI-R and NEO-FFI test guidelines and norms). Shiraz, Iran: Shiraz University of Medical Sciences Publications; 2006. [In Persian].
35. Fathi-Ashtiani A, Dastani M. Psychological tests: Personality and mental health. Tehran, Iran: Besat Publications; 2016. [In Persian].

Mediating Role of Life Satisfaction in Relationship between Personality Factors and Death Anxiety in the Elderly

Khaled Khayat¹, Biuok Tajeri², Sarah Pashang², Saied Malihi-Alzakerini²

Original Article

Abstract

Aim and Background: The growing population of the elderly and their specific problems and needs make further studies necessary. The purpose of this study was to examine the mediating role of life satisfaction in the relationship between personality factors and death anxiety in the elderly.

Methods and Materials: This descriptive-correlational study was carried out using path analysis method. The statistical population included all the elderly (over the age of 60) living in cities of West Azerbaijan province, Iran, of which 234 (150 men and 84 women) were randomly selected. Data were collected using Templer Death Anxiety Scale (TDAS), Satisfaction with Life Scale (SWLS), and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI). To analyze data, SPSS and SmartPLS softwares were used.

Findings: Each of the variables of life satisfaction and agreement had a direct and negative relationship with death anxiety. Also, the results showed that each of the variables of neuroticism and conscientiousness had a direct and positive relationship with death anxiety. Other findings of the study suggested that neuroticism, extraversion, flexibility, and agreement were indirectly related to death anxiety through life satisfaction.

Conclusions: Life satisfaction plays the role of mediation in the relationships between each of the factors of neuroticism, extraversion, flexibility, and agreement with the death anxiety in the elderly. Therefore, increasing life satisfaction is associated with a reduction in the death anxiety in the elderly. Moreover, the results confirm the assumptions of Erikson theory based on the relationship between life satisfaction and accepting the reality of death in the elderly.

Keywords: Death, Anxiety, Life satisfaction, Personality factors, Elderly

Citation: Khayat K, Tajeri B, Pashang S, Malihi-Alzakerini S. **Mediating Role of Life Satisfaction in Relationship between Personality Factors and Death Anxiety in the Elderly.** J Res Behav Sci 2018; 16(2): 189-97.

Received: 21.02.2018

Accepted: 26.04.2018

Published: 06.07.2018

1- - PhD Student, Department of Psychology, School of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran

2- Assistant Professor, Department of Psychology, School of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran

Corresponding Author: Biuok Tajeri, Email: btajeri@yahoo.com